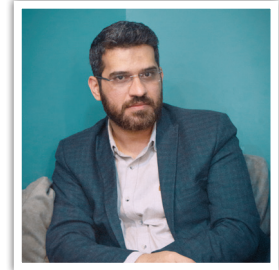


ژورنالیسم روایت پیشرفت

پژمان عرب سردبیر مجله دانشمند



پیش از این در مجموعه دفتر مطالعات جبهه فرهنگی به همراه یک گروه ۱۵-۲۰ نفره متمرکز در حوزه روایت پیشرفت نزدیک به ۶۰ پروژه تاریخ شفاهی با موضوع روایت پیشرفت انجام دادیم. برخی از اینها به کتاب تبدیل شده اند مانند سلول‌های بهاری، آرزوهای دست ساز، امواج اراده‌ها، جولان جوانمرد و برخی دیگر که در مراحل مختلف تحقیق و تدوین هستند. به تازگی در مجموعه خانه هنر و رسانه پیشرفت در حال تجربه نگاری مدیران حوزه علم و فناوری هستیم و در دوره جدید نشریه دانشمند به عنوان رسانه و ژورنالیسم روایت پیشرفت به دستاوردهای داخلی و علمی می‌پردازیم. و همین جایزه کتاب روایت پیشرفت که با دوستان در انجمن پیشرفت مشغولیم.

در ذهنم ناخودآگاه نوستالژی و خاطرات کودکی ام درباره نشریه دانشمند با عکس‌های جذاب ماشین‌ها و هواپیما هم ورق می‌خورد و فاتحه‌ای نثار روح آقای سردبیر نثار می‌کنم که چگونه آن همه خاطرات را دود کرده است ولی به این فکر می‌کنم که اگر به جای آن زرق و برق صفحه‌های براق و رنگی از پیشرفت‌های خارجی تصویر پیشرفت‌های خودمان را می‌دیدم الان چه حسی داشتم؟! و فاصله این دو نگاه را به فاصله زمین و زمین تصور می‌کنم.

نقش خانم‌ها در «روایت پیشرفت» جدی است

مریم خادمی پژوهشگر در حوزه زنان و نویسنده کتاب سخت شیرین

نگاه ما در کتاب سخت شیرین ایجاد زیرساخت پشتیبان برای زنانی است که می‌خواهند به صورت ویژه مؤثر اجتماعی باشند.

دخترک بالباس و روپوش مدرسه به همراه مادر که حالا می‌فهمم نویسنده کتاب «سخت شیرین» است، کوچک‌ترین عضو این جلسه است و با دلخوری روی صندلی اش نشسته و انگار از هیچ چیز راضی نیست ولی دم نمی‌آورد. یاد دخترک خودم می‌افتد و تصور می‌کنم اگر اینجا بود زمین و زمان را بهم می‌دوخت و لابد داشت در حیات مصفای خانه اندیشه و رزان بازی می‌کرد.

ما هنوز قدم اول را برنداشته‌ایم!

فائزه غفارجادی نویسنده کتاب خط مقدم

شاید آن زمان که کتاب خط مقدم رامی نوشتم هنوز «روایت پیشرفت» به این صورت وجود نداشت و این کتاب هم در اولین جایزه کتاب روایت پیشرفت در حوزه دفاعی برگزیده شد. کتاب «برای میل گردها سعدی بخوان» که روایت حضور چند خانم در یک معدن است به تازگی منتشر شده است که به بهانه راهیان پیشرفت ما با این موضوع آشنا شدیم. اتفاقی که سالیان زیادی در جریان است ولی کسی به آن نپرداخته است و ما اولین راویانی بودیم که به این مجموعه وارد شدیم. من نظر دوستان درباره ضرورت روایت شکست‌ها و پرداختن به مشکلات و نگاه واقعی به شرایط را قبول دارم، ولی ما هنوز قدم اول و بدیهی روایت پیشرفت که روایت موفقیت‌ها است را برنداشتیم. هنوز خیلی روایت‌های ناگفته داریم تا نوبت پرداختن به شکست‌ها بشود.

تقابل و تضارب نظرها در موضوع روایت پیشرفت هم خوب است و به ساخت یک گفتمان جامع‌تر کمک می‌کند. کتاب «خط مقدم» و خرده روایت‌های جذاب و بخش‌های حرص دارش برایم تداعی می‌شود. اصلاً چرا این کتاب جلد دوم ندارد!؟

به این فکر می‌کنم که اگر به جای آن زرق و برق صفحه‌های براق و رنگی از پیشرفت‌های خارجی تصویر پیشرفت‌های خودمان را می‌دیدم الان چه حسی داشتم؟! و فاصله این دو نگاه را به فاصله زمین و زمین تصور می‌کنم

